



رباعیهای اصیل خیام

نویسنده: محسن فرزانه

«فرهنگ و هنر» مردم « اردیبهشت ۱۳۵۴ - شماره ۱۵۱»

اطلاع ما بر احوال عمر خیام شاعر و فیلسوف و ریاضی دان بدان حد و پایه رسیده است که هرگونه توهّم درباره شخصیت دوگانه یا تردید نسبت به شعر و شاعری او را منتفی بدانیم. ولی آنچه تا کنون به تحقق نپیوسته است شمارش صحیح رباعی های منتسب به اوست که قدر متیقن کمتر از ۵۴ نیست. با توجه به اوضاع و احوال و محیط عصر خیام باید پذیرفت که رباعی های جاودانه وی از طریق نسخه برداری کاتبان معمولی تکثیر و توزیع نیافته است بلکه یاران موافق و مصاحبان یکدل تعدادی رباعی را که با مذاق و مشرب خود موافق یافته اند یادداشت و نقل کرده اند، دلیل آن وجود ترکیب های مختلف یک رباعی است.

نیشابوریان قرن های پنجم و ششم چیزی از عقاید فلسفی عمر خیام می دانستند و همگی او را به عنوان حکیم و فیلسوف می شناختند ولی مطلع نبودند که او این عقاید را با رباعی معرفی و عرضه می دارد تا دبیرانی چون نظامی عروضی و ابوالحسن زید بیهقی از طبع روان و ذوق سرشار وی آگاهی نداشتند.

برای تحقیق و کشف رباعیهای اصیل باید نهصد سال به عقب بازگشت و این مدت نسبتاً دراز را به سه دوره تقسیم نمود:

۱- از سال ۴۶۷ هجری قمری تا ۶۱۷ سال مرگبار حمله مغول که صحیحاً یکصد و پنجاه سال است. عمر خیام در ۴۶۷ که تاریخ اجتماع منجمان و ریاضی دانان در اصفهان است با احتساب سال ولادت ۴۳۹ مردی ۲۸ ساله بوده است که دو تن از همکارانش یعنی ابوحاتم مظفر اسفرازی و عبدالرحمن خازنی کهنتر و کم سال تر از وی بوده اند. بدیهی است که خیام در این مدت در صدد کسب معلومات ریاضی و نجومی و پزشکی بوده مجال ترانه سرائی بدان وصف که موجود است نداشته چه در این مدت چند رساله ریاضی به رشته تحریر درآورده. در حقیقت در صدد تحکیم موقع اجتماعی مناسبی بوده چنانکه از این طریق بود به دستگاه خاقان شمس الملوک حاکم بخارا دست یافت و سپس مورد توجه و عنایت خواجه نظام الملک و ملکشاه قرار گرفت.

مسلمانان از این تاریخ به بعد است که مطالعات فلسفی را دنبال کرده با عرضه رباعیات بدانها شکل داده است. ظاهراً اوج این گرایش فلسفی تا ۴۸۵ سال شهادت خواجه نظام الملک بیش نبوده، چه خواجه نیز صاحب ذوق و متمایل به رباعی گوئی بوده است. دوران



گروه فرهنگی سایه خیال

این مدت بین ۱۵ تا ۱۸ سال است که رباعی های این دوره مشحون از سرزندگی و نشاط است و تحرک فلسفی خاصی دارد، سپس از ۴۸۵ تا ۵۱۷ سال درگذشت او است رباعی هائی که بیان کننده نگرانی و ناآرامی است سرود. بنابراین در دوران ۱۵۰ ساله تا حمله مغول نحوه اشاعه رباعی ها پنهانی و نقلش بین اصحاب فلسفه و پیروان او نجوی مانند و دور از انظار بوده است. بدین جهت اگر در دو سه اثر پیش از حمله مغول نقل قولی شده بی ذکر نام گوینده است.

نخستین نقل در سند بادنامه ظهیری سمرقندی (۵۵۶) به تقریب ۴۰ سال پس از مرگ حکیم نیشابور است که پنج رباعی که یکی را دستخوش تحریف ساخته آورده است. دومین در راحه الصدور راوندی که در ۵۹۹ آغاز به تحریر شده آمده و یک رباعی بیش نیست، اما سومین به سبب بعد زمان با ذکر نام گوینده یعنی خیام آمده نخستین ذکر نامی است توأم با رباعی معروف دارنده چو ترکیب چنین خوب آراست و آن از امام فخر رازی (۵۴۴ - ۶۰۶) در رساله التنبیه است. یک رباعی هم در نسخه ای از رساله سوانح شیخ احمد غزالی متوفی ۵۲۷ برادر کهنتر امام محمد غزالی (آرند یکی و دیگری برابند) مشاهده شد گرچه مصحح در مقدمه متذکر است که این رباعی در طبع ۱۹۴۲ استانبول به اهتمام ریتراآلمانی نیامده و از نسخه کتابخانه ملک مورخ ۱۰۱۶ که در احمدآباد گجرات تحریر شده افزوده است، نویسنده سطور هم موافق عقیده ریتراست زیرا فصل مختصر ۳۶ درباره عشق عرفانی است و با مفهوم رباعی خیام ارتباطی ندارد باید که ملحق باشد. بنابراین تا کنون ۷ رباعی از حکیم نیشابور تا پیش از حمله مغول نقل شده است و نیز رباعی در پشت من از زمانه تو می آید در مرزبان نامه بی ذکر نام آمده است ولی چون این کتاب بین سالهای ۶۰۷ تا ۶۲۲ تهذیب و تنظیم شده نمی توان به یقین در ردیف رباعیهای پیش از یورش مغول به حساب آورد.

کهن ترین تصویر خیام، از نسخه ای به خط علی هروی، مورخ ۹۱۵ ه. ق (۱۵۰۹ م)

۲- از ۶۱۷ تا پایان قرن هشتم است. این دوران به گفته ابوالقاسم طاهری نویسنده سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا شاه عباس دوران تساهل در مذهب است زیرا مغولان و زردپوستان بدان اندازه که در اخذ تمدن ها و فرهنگ ها مقلدانند در مذهب سهل انگارند و معتقد به آزادی عقیده. از این تاریخ مشهودا آثار تعصب قشریان فرو نشسته در نتیجه دیران، نویسندگان و مورخان بی پروا به نقل رباعی های حکیم نیشابور با ذکر نام مبادرت ورزیده اند. از این قبیل اند:

شیخ نجم الدین رازی (۶۲۰) دو رباعی در مرصاد العباد - علاءالدین عطا ملک جوینی یک رباعی در تاریخ جهانگشا (۶۵۸) - سهم بیشتر را در نقل رباعیها جمال الدین خلیل شروانی مؤلف نزهه المجالس (ظاهرا" ۶۳۰) بر عهده دارد که ۳۳ رباعی با حذف



گروه فرهنگی سایه خیال

دو رباعی مکرر ۳۱ رباعی عمر خیام را در اثر ذی قیمت خود آورده است - سیفی هروی در تاریخ نامه هرات (۷۲۰) یک رباعی و دبیر و مورخ نامدار حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (۷۳۰) یک رباعی نقل کرده اند.

گرچه عبید زاکانی در کلیات و اخلاق الاشراف نامی از عمر خیام نبرده ولی دو رباعی اصیل وی را با شرحی مبسوط به نام مذهب مختار (۷۴۰) نقل کرده است. در ۷۴۱ محمد پسر بدر جاجرمی مجموعه گرانبھائی به نام مؤنس الاحرار فی دقائق الاشعار ترتیب داده که ۱۳ رباعی اصیل خیام را با ذکر نام آورده است.

در همین عصر دو شاعر نامدار خواجه شمس الدین محمد حافظ و ابن یمین فریومدی به پیروی و اقتفای خیام، شعرها اعم از قصیده و غزل و رباعی سروده اند.

از نیمه قرن هشتم دو نسخه خطی در کتابخانه مجلس موجود است که شامل ۱۵ رباعی منتسب به خیام است ولی نویسنده ۶ رباعی آنرا بیشتر اصیل ندانسته.

۳- ظاهراً از همان اوائل قرن هفتم توجه خاص به رباعیهای فلسفی خیام افزون شده است ولی بر حسب ترتیب زمانی که پیش میرویم اقبال عمومی را بیشتر و سطح عنایت و توجه را از خواص به عوام گسترده تر می یابیم، تا آنجا که در قرن نهم (۸۶۷) اثری به نام طربخانه تنظیم و تألیف می شود. چنان می نماید که تعدادی از رباعی های دیگر گویندگان پیش از حمله مغول که در تلو رباعی های حکیم نیشابور آورده اند عامه را مسلم شده همه از خیام است از این قبیل است رباعی های شیخ ابو سعید ابی الخیر - خواجه عبد الله انصاری - ابوالحسن خرقانی - امام محمد غزالی - حکیم سنائی - شیخ عطار و بعض عرفا. این انتقال و انتحال رباعی از دیوانی به دیوان دیگر پس از حمله مغول هم مداومت یافت و تعداد دیگری از رباعی های افضل الدین کاشانی و خواجه نصیرالدین طوسی و عبید زاکانی و حافظ و ابن یمین و حتی رباعی هائی از درجه ابتدال در رباعیهای اصیل خیام تداخل نمود. کلا در مجموعه طربخانه از یار احمد رشیدی تبریزی به جا ماند حال مبین این حقیقت است که شهره رباعی های خیام در این عصر تا حدی بوده است که مردی کم مایه چون رشیدی تبریزی را به سر ذوق و حال آورده مبادرت به تنظیم طربخانه نموده است. معذالک همین اثر برای محققان راه گشای مطلوبی است.



گروه فرهنگی سایه خیال

دوران سوم را باید به دو دوره از قرن نهم تا دهم و از دهم به بعد تقسیم نمود از قرن دهم (۹۰۵) که قرن ظهور صفویه است دیگر آن عنایت به فلسفه و آثار حکیمانی چون رازی و خیام مشهود نیست. گرچه یک رباعی از قرن ۱۱ در دبستان المذاهب که در هند تحریر شده آمده ولی این شاد و نادر است. اما از این سده به بعد در هندوستان نسخه برداری رباعیات خیام به کثرت مشاهده می شود و از قرن گذشته هم چاپ سنگی رباعیات به وفور در ایران و هند صورت گرفته است.

مرحومان قزوینی و فروغی معتقد بودند تا نسخه جدیدی متقارب با عصر خیام کشف نشود نمی توان به قطعیت بر تعداد رباعی های اصیل حکم کرد ولی نویسنده را عقیده بر آنست که محال است اثری و نسخه ای به تاریخ پیش از حمله مغول یافته شود زیرا متعصبان مجال بقای چنین آثار را نداده اند. باید امید را به آثار بعد از حمله مغول چون نزهه المجالس و مؤنس الاحرار معطوف داشت. این قطع امید موجب ناامیدی نویسنده نشد و از پای ننشست و در استکشاف رباعی های اصیل کوشش بسیار نمود و بزعم خود توفیقی حاصل کرد. بدین طریق که به روابط خیام با بزرگان معاصرش پرداخت و از اقتضا و پیروی شعرائی چون شیخ عطار و ابن یمین سود جست یعنی از طریق استقراء و قیاس و مطابقه معنی و مفهوم و لفظ کلام به اصالت ۱۶ رباعی پی برد که مجال بحث کلیه آنها در اینجا نیست ولی برای نمونه به چند مورد اختصارا اشاره می کند:

رباعی چون نیست حقیقت و یقین اندر دست مصراع چهارم در بی خبری مرد چه هشیار و چه مست به شهادت لباب الالباب عوفی مورد تضمین خواجه نظام الملک قرار گرفته بنابراین بر اصالت آن مجال تردید نیست. یا رباعی چون چرخ به کام یک خردمند نگشت در حقیقت پاسخی است که خیام به لطیفه (مردکی را به دشت گرگ درید) ناصر خسرو داده - آنچه سنائی در قصایدش در وصف حال نیشابور سروده اشاره به خیام است. شیخ عطار بیش از دیگران به تقلید و تحریف رباعی ها پرداخته. رباعی پیش از من و تو لیل و نهاری بوده است را چنین تقلید کرده پیش از من و تو پیر و جوانی بودست. یا ابن یمین با سرودن این بیت از رباعی چون می گذرد عمر بهر حال که هست، از رباعی معروف چون می گذرد عمر چه شیرین و چه تلخ پیروی کرده است.

یا حافظ که در این بیت از غزالی چنین سروده:

ساقیا جام میم ده که نگارنده غیب
نیست معلوم که در پرده اسرار چه کرد
ناظر به این رباعی خیام بوده:



گروه فرهنگی سایه خیال

نتوان دل شاد را به غم فرسودن
وقت خوش خود به سنگ محنت سودن
کس غیب چه داند که چه خواهد بودن
می باید و معشوق و به کام آسودن

بدین طریق نویسنده معتقد است که ۷۰ رباعی خیام اصیل می نماید و چنانچه تحقیق بیشتر در متون کهن صورت گیرد شاید چند رباعی دیگر بتوان به این عدد اضافه نمود ولی هیچگاه به صد نخواهد رسید.

بدیهی است در این وضع و حال بهتر و آسان تر می توان به عنایت فلسفه خیام دست یافت و اذعان نمود او یگانه دانشمندی بوده که رباعی را وسیله بیان عقاید فلسفی قرار داده است.

سایه خیال